

صبح ایران

فرهنگی، هنر و رسانه



رسانه ملی، پیشران حقیقت

به مناسبت اختتامیه هجدهمین جشنواره سینما حقیقت ابعاد این رویداد را بررسی کرده‌ایم

۸ صفحه

فاجعه پژوهش‌های بازاری!

دکترحیدر تورانی، رئیس اسبق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از راهکارهای تقویت فرهنگ پژوهش می‌گوید



۱۰۱

شیوه؛ مناظره ای برای نوسازی حکمرانی

برنامه زنده شبکه چهار در فصل جدید خود تلاش کرده نگاهی تازه به مفهوم حکمرانی داشته باشد



۲۱

چله نشینی پای تلویزیون

شبکه‌های مختلف رسانه ملی ویژه برنامه‌هایی را برای یلدا راهی آنتن می‌کنند که ما برخی از آنها را معرفی کردیم



۶۱

📅 زاویه دید

بررسی ریشه‌های سنت باستانی یلدا نشانگر یک تقاطع تاریخی و فرهنگی در جهان ایرانی است

یلدا در گذر زمان

📖 ناصر خسرو و شب یلدا

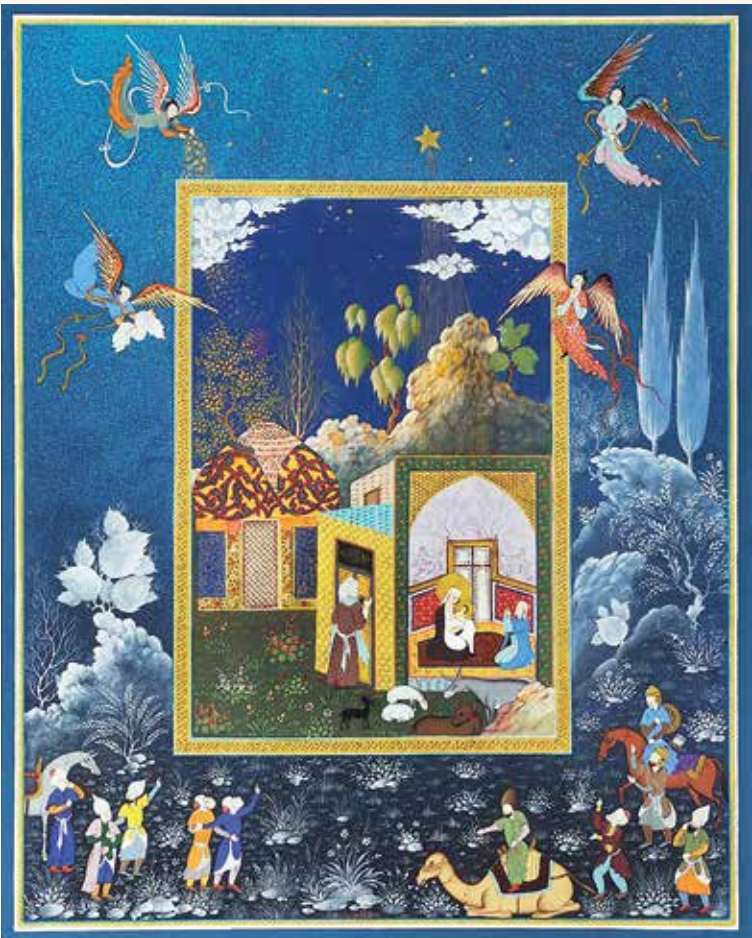
مداقه و بررسی متون ادب فارسی قرون ابتدایی هجری قمری نشان می‌دهد که نخستین کاربردهای یلدا در ادبیات فارسی به سده‌های پنجم و ششم هجری بازمی‌گردد و نشان می‌دهد که ادیبان و شاعران این شب را هم شب میلاد مسیح و هم بلندترین شب سال می‌دانستند. ناصر خسرو (قرن پنجم) در قصیده‌ای یلدای ترسایان را با شب قدر یکسان می‌داند: گریز تو قول ترسا مجهول است/ معروف نیست قول تو زری ترسا/ او بر دوشنبه و تو بر آدینه/ تو لیل قدر داری و او یلدا. و در کنار آن به بلندبودن آن شب نیز توجه دارد: قندیل فروزی به شب قدر به مسجد/ مسجد شده چون روز و دلت چون شب یلدا.

📖 ریشه‌شناسی یلدا در شعر فارسی

سنایی یلدا را به حضرت عیسی نسبت می‌دهد: به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی/ که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا. محمدحسین نظیری نیشابوری، شاعر قرن یازدهم که صاحب بیت معروف «درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی/ جمعه به مکتب آورد طفل گریزیای را» است، درباره یلدا چنین گفته است: بی‌تو دوشم در درازی از شب یلدا گذشت/ آفتاب امروز چون برق از سرای ما گذشت. تا سده هفتم هجری پیوند مسیح و یلدا در آثار ادبی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و در قرون بعدی شاعران تنها به جنبه‌های دیگر یلدا اشاره و برخی همچون فیض کاشانی در دوره صفویان، بلندی این شب و سیاهی آن را به زلف یار مانند می‌کنند: چه عجب گر دل من روز ندید/ زلف تو صد شب یلدا دارد. کلیم کاشانی در این باره سروده است: منت زلف تو طوق گردنم بادا کزو/ حال دل‌ها بر تو در شب‌های یلدا روشن است. صائب تبریزی نیز همین شیوه را در پیش می‌گیرد و بلندی گیسوی یار را همانند بلندای شب یلدا می‌داند و می‌گوید: می‌کند زلف دراز تو به دل‌های حزین/ آنچه با خسته‌روانان شب یلدا نکند.



متن کامل



در شب یلدا که بلندترین شب سال است، مردم بنا بر سنت پیشینیان در خانه بزرگ خانواده جمع می‌شوند، شادی می‌کنند و خوراکی مخصوص این شب را تناول می‌کنند. در این شب غالباً بزرگ‌ترها سعی در برپایی آداب و رسوم خاص یلدا دارند و جوان‌ترها درباره چگونگی به‌وجود آمدن و نام این شب گفت‌وگو می‌کنند. تاکید بزرگ‌ترها بر طولانی بودن این شب و باقی ماندن آن از دوران باستان است. به باور آنها، یلدا همان موعد انقلاب زمستانی و آخرین روز آن ماه است که قدما از روزگاری دور آن را جشن می‌گرفته‌اند. در حالی که بررسی صورت‌گرفته در متون کهن نشان می‌دهد که ایرانیان باستان، انقلاب زمستانی و تغییر فصل را نه با نام یلدا که با نام «آذر جشن» جشن می‌گرفتند. در این جشن، مردم با این باور که روشن‌کردن آتش، سرما و زیان زمستان را از جانداران و گیاهان دور می‌کند، در خانه‌هایشان آتش بزرگی می‌افروختند، دورهم جمع می‌شدند، شادمانی می‌کردند و غذاهای مختلفی مانند خوراکی‌هایی با طبع گرم تناول می‌کردند و گاه نقال می‌زدند. ابوریحان بیرونی از این جشن نام برده و به تفصیل درباره‌اش توضیح داده است.



هما شورا میثاق نویسنده و منتقد

📖 یلدا در رازنای تاریخ ایرانی

از طرفی جوان‌ترها، بر طبق برخی نظرات، یلدا را زمان زایش خورشید یا ایزد مهر در زمان انقلاب زمستانی می‌دانند و ریشه‌های آن را در کیش یا آیین مهرپرستی تصور می‌کنند. این در حالی است که در ایران هیچ‌گاه پرستش مهر یا میترا به شکلی که امروزه از آن یاد می‌شود، با نگرفته و پیروانی نداشته است. در واقع جشن مهرگان، تنها جشنی است که نسبت مستقیمی با آیین مهرپرستی ایرانیان و ایزد مهر که نگهبان پیمان بود، دارد. از این رو برای یافتن پاسخ قدمت این جشن باید به خود کلمه یلدا رجوع کرد. این کلمه وام‌واژه‌ای آرامی از

📅 دوشنبه‌نویشته‌ها

پایان و آغاز استانداردترین جشنواره‌های ایران؟

شاهد برگزاری جشنواره‌های ریز و درشت زیادی در طول سال هستیم به طوری که مطابق آمار سرانگشتی حدود ۴۰ جشنواره سینمایی در کشور برگزار می‌شود. از موضوع‌های آب، برق، گاز، ایثار، اشراف و ورزشی بگیرد تا مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جشنواره‌های استراتژیکی چون جوان، سینما حقیقت و فجر امدار این میان فقط دو جشنواره سینمایی داریم که به استاندارد‌های بین‌المللی نزدیک است. اولی «سینما حقیقت» و دومی «عمار» که یکی دیروز پایان یافت و دیگری در آستانه برپایی آن هستیم. چرا این رخدادها را به نمونه‌های برجسته جهانی نزدیک می‌بینیم، دلیل اصلی و واضح آن در حذف بخشی تحت عنوان «هیات انتخاب» است. البته تفاوت‌هایی میان سینما حقیقت و عمار وجود دارد. بدین صورت که آثار دریافتی در اولی توسط گروه «مشاوران دبیر» معرفی و انتخاب می‌شود (در راستای الگوهای مترقی دنیا) و در دومی اساساً فیلتر کردن و گزینش آثار توسط سازمان جشنواره و عوامل معتمد اجرایی سرنوشت به هیات داوران واگذار می‌شود. مطابق واقعیت‌های موجود هیچ جشنواره مشهور، برپاسجه و معتبری در دنیا نیست که بخشی با عنوان هیات انتخاب داشته باشد. مثلاً معروف‌ترین‌هایی مانند ساندنس، برلین، کن و... اساساً با واحد عقب‌مانده‌ای به نام «هیات انتخاب» بیگانه هستند بلکه گروه مشاوران دبیر این فستیوال‌ها در طول سال آثار را رصد، گزینش و به سازمان جشنواره و شخص دبیر معرفی می‌کنند. (گامی که سینما حقیقت را هنوز به قله جهانی نرسانده در همین نکته است که آنجا مشاوران از پایان این دوره تا آغاز دوره بعد فعال اند ولی اینجا همانند کارکرد هیات انتخاب در یک بازه زمانی محدود آثار دیده و بررسی می‌شود). چنانچه مستحضرد حساس‌ترین، جدی‌ترین و مهم‌ترین عملکرد یک جشنواره در بخش گزینش فیلم‌ها برای احواله به هیات داوران شناخته می‌شود. یعنی هر اتفاق خوب یا بد، یا عیار تخصصی بودن، رعایت عدالت و خصوصاً سطح الوانی به لحاظ ژانری و رویکردهای مضمونی و هماهنگی دیپلماتیک هدفمند در راستای الزامات و سیاست‌های فرهنگی کشور که برای ویرترین جشنواره مهم و دارای اهمیت درجه یک است، در همین مرحله بسته‌بندی می‌شود. لذا منطقی و منصفانه نیست که چنین وضعیت و مرحله‌ای بس بغرنج و کلیدی، به سه یا پنج نفر سپرده شود تا در طول زمانی محدود، مبادرت به انتخاب کنند. اتفاقی که مثلاً در فجر می‌افتد. در واقع پاشنه آشیل جشنواره فیلم فجر در ادوار ماضی، همواره همین هیات انتخاب بوده است. در بسیاری دوره‌ها گروهی تقریباً از یک تخصص (مثلاً کارگردانی) در هیات انتخابی گرد می‌آمده‌اند که اساساً با فیلم‌های برای مثال کم‌دی میانه‌ای نداشته‌اند یا طرفدار فیلم‌های اجتماعی عبوس و ضد تماشاگر بوده‌اند یا فرضاً هوادار مدل‌هایی از فیلم بوده‌اند که موسوم به جشنواره‌ای است. لذای تو به مصلحت‌های داخلی و خصوصاً نادیده گرفتن حق تماشاگر اینجایی، آثاری یک‌دست و فاقد مولفه‌های مورد پسند همه را روانه منظر داوران می‌کرده‌اند. خب نتیجه‌الگوی سال بعد را ترسیم می‌کرده‌اند. در این میان دبیر چکاره بوده است؟ تقریباً هیچ، فقط چند نفر را استخدام کرده و خودش را راحت و فارغ از پاسخگویی دانسته است. برای دانستن عمق فاجعه، کافی است تا دوره‌های اخیر را به یاد بیاورید. مثلاً دو سال قبل پس از اعتراض‌هایی از سوی فیلمسازان، یکی از اعضای هیات انتخاب رفت شبکه خبر و به جای پاسخ منطقی دادن، با حرف‌ها و موضع‌گیری فردی خود، چنان حاشیه‌هایی برای جشنواره ایجاد کرد که یعنی کل جشنواره را روی هوا برد. خب ایشان چکاره است که باید خود را محقق چنین پیامدی برای یک رویداد حساس بداند و آن وقت دبیر کنار بنشیند و فقط نظاره‌گر باشد، در حالی که اساساً دبیر باید پاسخگوی ضعف و سستی‌های تصمیماتش باشد. باید نسبت به جشنواره‌اش تعصب داشته باشد و در همه صحنه‌ها و رویدادهای پریشان‌انگیز احتمالی حضوری فعال داشته باشد. برگردیم به «سینما حقیقت» و «عمار». بی‌تردید این رویدادها هنوز در زمینه حذف هیات انتخاب جوان هستند و قاعدتاً لقب استانداردترین به مفهوم تکامل و در قله بودن نیست بلکه حرکت در مسیرشان قابل دفاع است و لذا باید جزئیات این ساختار مورد نقد و بررسی دائمی قرار گیرد تا ضعف‌های مستولی بر آنها به قوت تبدیل شود.